

عنوان مقاله:

زمینها و پیشینه فلسفهای اگزیستانس و برخی برداشتهای ناصواب

محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 2، شماره 1 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

ناژین صفویمقدم - کارشناس ارشد فلسفه غرب دانشگاه تهران (پردیس قم)

خلاصه مقاله:

اگزیستانسیالیسم یکی از مکاتب فلسفی است که بخش بزرگی از فلسفه معاصر را دربر میگیرد. فیلسوفان اگزیستانسیالیست بر هستی انسان همچون گونهای متمایز از هستی دیگر هستندگان تامل میکنند و با دقت به این تمایز، هستی انسان را «وجود» یا existence مینامند. آنها درصدد نشان دادن تفاوت میان وجود یا بودن انسان در این دنیا با سایر اشکال هستیاند. در نتیجه، به تحقیق در شیوه و شکلبودن انسان در دنیا و بررسی مباحث وجودی و حالات او ناچارند. ضمن اینکه این رهیافت بسیار مورد توجه اندیشمندان آن عصر و پس از آن قرار گرفت، میتوان سورن کییرکگارد را با تاملات اساسا دینی، در برابر فلسفه منطقی و اصول عقلانی هگل، آغازگر اگزیستانسیالیسم خواند و از گابریل مارسل، کارل یاسپرس، مارتین هایدگر، و ژان پل سارتر در مقام نمایندگان اصلی این مکتب نام برد. شایان توجه است که فیلسوفان اگزیستانس از نظامسازی و ارائه فلسفه سیستماتیک پرهیز کردند و با وجود تنوع افکار فلسفی در این حوزه وسیع، که بعضا باعث کجفهمیهایی شده، شیوه فلسفه‌ورزی مشترک و آغاز و تاکید آنها بر انسان به جای طبیعت، آنها را ذیل عنوان اگزیستانسیالیست گرد میآورد.

کلمات کلیدی:

اگزیستانسیالیسم، اگزیستانس، وجود، انسان، سارتر، هایدگر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1188714>

